

اشاره:

مبارزه با تورم و حمایت از صاحبان درآمدهای ثابت در جریان افزایش مستمر قیمت کالاها و خدمات، به‌ویژه کالاهای اساسی، از عمده وظایف دولت‌ها محسوب می‌شود.

در شرایط اقتصادی گوناگون در دو قرن اخیر، دولت‌ها برای جلوگیری از رشد فزاینده تورم به سیاست‌های مختلفی روی آورده‌اند که گاه موفقیت‌آمیز و گاهی نیز همراه با ناکامی بوده است. در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مشکلات پیش آمده از سوی جریان‌های خارجی مانند محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی و نیز در دوران پس از جنگ، دولت برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و صاحبان درآمد ثابت به دخالت در نظام قیمت‌گذاری کالاها و خدمات روی آورد و توانست در سال‌های اخیر به توفیق‌هایی نیز دست یابد. اگرچه این موفقیت‌ها هنوز به ثبات قیمت‌ها و شرایط اقتصادی کشور نیانجامیده است.

در این گزارش به بررسی مسأله تورم در ایران به‌ویژه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازیم و توفیق‌ها و ناکامی‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

# آثار مداخله دولت در نظام قیمت‌ها

به عقیده کارشناسان اقتصادی، تورم ریشه‌ها و علل گوناگونی دارد که گاه منشأ داخلی و گاهی نیز منشأ خارجی دارد. ارزیابی ریشه‌های تورم و بررسی علل بروز آن می‌تواند راه‌های عملی برای مقابله با تورم را نشان دهد.

حدود نیم قرن است که نفت در اقتصاد ایران نقش اساسی ایفا می‌کند. وابستگی شدید درآمدهای ارزی کشور و نیز درآمدهای دولت به ارز حاصل از صادرات نفت و تخصیص آن به کالاها و خدمات موردنیاز مردم و طرح‌های توسعه اقتصادی و صنعتی، سبب شده است تا اقتصاد کشور به وضعیت بازارهای جهانی نفت به شدت متکی گردد.

از آنجا که ارز حاصل از صادرات نفت هنوز بیش از ۷۰ درصد درآمدهای ارزی کشور و نیمی از درآمد دولت را تشکیل می‌دهد، نوسانات بازار جهانی نفت خوانده‌خواه تأثیر مستقیم و بسزایی در اقتصاد کشور ایفا می‌کند.

کاهش قیمت نفت به تقلیل درآمدهای ارزی کشور و درآمد دولت منجر می‌شود و برای جبران آن، افزایش قیمت کالاها و



مالیاتی می‌گردد.

با توجه به آنکه در اغلب این‌گونه کشورها، فساد اداری به‌طور چشمگیری وجود دارد، مؤدیان مالیاتی با تمسک به انواع ترفندها از پرداخت مالیات واقعی خود طفره می‌روند. گسترش فرهنگ مالیاتی در این‌گونه جوامع، یکی از وظایف اصلی دولت می‌باشد. البته ضرورت دارد که دستگاه اداری دولت از تناسب لازم و کارآیی کافی برخوردار باشد تا مؤدیان مالیاتی به‌تدریج اعتماد بیشتری به فعالیت‌های دولت پیدا کنند. فاصله میان فعالان بخش خصوصی و دولت نیز از مواردی است که دولت را در کشورهای درحال توسعه با موانعی روبه‌رو می‌سازد که اجرای تصمیم‌ها و مقررات و قوانین را دشوار می‌سازد. در حالی که در کشورهای پیشرفته صنعتی، دولت و بخش خصوصی با همکاری و هماهنگی یکدیگر، بسیاری از موانع را برطرف می‌سازند و تصمیم‌گیری‌های لازم را با کمک یکدیگر به انجام می‌رسانند.

با توجه به موارد ذکر شده، دولت‌ها در کشورهای روبه‌رشد همواره با مشکلات اساسی برای جبران کسری بودجه روبه‌رو می‌شوند و کسری بودجه خود یکی از دلایل بروز فشارهای تورمی در این‌گونه کشورهاست که با موانع و محدودیت‌های رشد تولید ناخالص داخلی نیز درگیر می‌باشند. با این وجود تورم از دو منشأ داخلی و خارجی، می‌تواند به عنوان اصلی‌ترین معضل اقتصادی مطرح گردد، به‌ویژه آنکه در ایران محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی یا شرایط دشوارتری را پیش آورد.

**○ رشد درآمدهای مالیاتی متناسب با افزایش ارزش تولید ناخالص داخلی نه تنها فشارهای تورمی را تشدید نمی‌کند، بلکه از راه‌های قابل قبول برای مقابله با تورم است.**

در دوران محاصره اقتصادی، خریدهای عمده کشور به‌ویژه در بخش ماشین‌آلات و تجهیزات پیشرفته به‌طور مستقیم از تولیدکنندگان اصلی صورت نمی‌گرفت و با واسطه خریدها عملی می‌گردید. همین امر موجب شد که برخی از اقلام موردنیاز کشور به دو یا سه برابر قیمت اصلی تأمین شود. با وجود آنکه در دوران بازسازی، کشورهای اروپایی و ژاپن، قیدوبندهای اعمال شده از سوی دولت آمریکا برای عدم معامله

خدمات عمومی از سوی دولت و به‌دنبال آن فعالان بخش خصوصی، یکی از راه‌های عملی است که به‌ویژه در سال‌های اخیر مدنظر بوده است. این روند به رشد فشارهای تورمی انجامیده است.

دولت برای جبران کسری بودجه، معمولاً به استقراض (از نظام بانکی داخلی و بین‌المللی)، چاپ اسکناس و افزایش مالیات‌ها و بهای خدمات عمومی، می‌تواند متکی گردد و گاه یکی از این سه راه و برخی اوقات به تناسب هر سه آنها را انتخاب می‌کند.

به عقیده کارشناسان، استقراض از منابع داخلی یا خارجی و یا چاپ اسکناس، به افزایش حجم پول در گردش یا نقدینگی می‌انجامد و به‌طور مستقیم بر میزان تورم اثر دارد. هر گاه عرضه کل در کوتاه‌مدت به تناسب تقاضای کل افزایش پیدا نکند، رشد نقدینگی به افزایش قیمت کالاها به ویژه کالاهای حساس و راهبردی می‌انجامد و فشارهای تورمی را تشدید می‌کند.

برخی کارشناسان براین باور هستند که افزایش مالیات‌ها از یک سو درآمد دولت را بالا می‌برد و از سوی دیگر بر حجم نقدینگی اثر منفی دارد و می‌تواند تقاضای کل را کاهش دهد. به همین دلیل رشد درآمدهای مالیاتی به‌ویژه متناسب با ارزش تولید ناخالص داخلی نه تنها فشار تورمی را تشدید نمی‌کند، بلکه یکی از راه‌های قابل قبول برای مقابله با تورم است.

با این وجود در کشورهای درحال توسعه، همواره راه‌های فرار مالیاتی وجود دارد. زیرا از یک سو انتقال سرمایه به خارج در این گروه از کشورها به‌وفور به چشم می‌خورد، از سوی دیگر نظام اطلاع‌رسانی ناقص در ارزیابی دقیق مالیات‌ها، مشکل ایجاد می‌نماید. با این وصف در اکثر کشورهای درحال توسعه، دولت‌ها قادر نیستند از تمام ظرفیت‌های مالیاتی بهره‌مند گردند.

مسئله مهم‌تر در بحث مالیات‌ها برای مقابله با تورم، شناسایی دقیق درآمدهای قابل ارزیابی برای اخذ مالیات می‌باشد. در کشورهای روبه‌رشد اغلب مالیات‌ها از واردات یا فعالیت‌های تولیدی اخذ می‌گردد که اثر منفی بر هدف بهره‌گیری از نظام مالیاتی برای جبران کسری بودجه دولت دارد. افزایش مالیات برای صاحبان واحدهای تولیدی خود به عنوان عامل افزایش هزینه تولید و محدودیت سرمایه در گردش عمل می‌کند که تأثیر منفی بر روند تولید دارد. این امر مانع از رشد تولید ناخالص داخلی و پیدایش ظرفیت‌های

کارشناسان افزایش پایه پولی را یکی از علل اصلی تورم در اقتصاد ایران می‌دانند. با توجه به آنکه دولت در دوران جنگ تحمیلی از اخذ وام‌های خارجی اجتناب کرد و حجم بدهی خارجی ایران در پایان جنگ تحمیلی فقط ۸۰۰ میلیون دلار بود، اما نیاز به منابع مالی برای بازسازی ویرانی‌های جنگ، ایجاد ساختار نوین اقتصادی، سرمایه‌گذاری در طرح‌های عمرانی و تولیدی و... دولت را بر آن داشت که علاوه بر منابع درآمد داخلی، به استقراض از نظام بانکی بین‌المللی روی آورد. کسری بودجه دولت در پایان جنگ تقریباً به حدود نیمی از بودجه عمومی می‌رسید و استقراض از نظام بانکی داخلی، سبب افزایش تعهدات مالی دولت و رشد نقدینگی شده بود. در حالی که آهنگ رشد تولید ناخالص داخلی بطنی و گاه نزولی بود.

استقراض از منابع خارجی برای تأمین مالی شمار بسیاری از طرح‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری دولت در نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور از آنجا که از محل پس‌انداز ملی تأمین نگردیده بود، به افزایش سریع پایه پولی در دوران بازسازی انجامید. به عقیده کارشناسان رشد پایه پولی، افزایش فشارهای تورمی را به دنبال دارد و این امر برای اقتصاد ایران نیز رخ داد.

از سوی دیگر نوسان‌های قیمت نفت در بازارهای جهانی نیز خود از عوامل ناخوشایند برای اقتصاد وابسته به نفت ایران است. در سال‌هایی که قیمت نفت سیر نزولی دارد (همانند سال جاری) فشارهای وارده به دولت برای تأمین منابع مالی موردنیاز دوچندان می‌شود، بخصوص آنکه میزان کاهش درآمدهای حاصل از نفت در برآورد بودجه منظور نشده باشد. در چنین شرایطی دو راه پیش روی دولت می‌باشد: اول آنکه با استفاده از منابع خارجی (استقراض یا جذب سرمایه‌گذاری خارجی) منابع مالی موردنیاز طرح‌های اقتصادی خود را تأمین کند، دوم آنکه به صرفه‌جویی روی آورد و از اجرای برخی طرح‌ها صرف‌نظر نماید.

در شرایطی که دولت راه اول را برگزیند، استمرار رشد اقتصادی همراه با افزایش تعهدات خارجی، میسر می‌گردد. اما اگر دولت بتواند منابع ارزی موردنیاز را از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی کسب نماید، مشکل تعهدات خارجی آینده را نخواهد داشت. متأسفانه با وجود تحریم‌های آمریکا علیه ایران به ویژه قانون داماتو که شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذار در ایران را مورد هدف تحریم قرار داده است،

با ایران را به بوته فراموشی سپردند و خیلی از موانع و مشکلاتی که در دوران جنگ وجود داشت، برطرف گردید، با این حال حجم سرمایه‌گذاری‌های کلان موردنیاز برای بازسازی اقتصادی و توسعه و عمران کشور، موجب افزایش سریع حجم نقدینگی در دوران پس از جنگ شد. از آنجا که در کوتاه‌مدت بنیان‌های تولیدی در کشور اجازه نمی‌داد که عرضه کل متناسب با تقاضای کل پیش رود، فشارهای تورمی روزبه‌روز گسترش یافت، تا جایی که میزان تورم از حدود ۲۵ درصد در سال ۷۳ به حدود ۵۰ درصد در سال ۷۴ رسید. البته نباید فراموش کرد که افزایش جمعیت کشور در شرایطی که درآمدهای ارزی چندان رشد قابل‌توجهی نداشت، خود در تشدید کفه تقاضا در برابر عرضه نشو و نما نمود.

در تمام این دوران، دولت سعی داشت که با نظارت بر قیمت کالاها و خدمات از اقبال آسیب‌پذیر و اقبال‌دارای درآمد ثابت حمایت کند. توزیع کالاهای اساسی به‌طور سهمیه‌بندی شده یکی از راه‌هایی بود که برای تأمین حداقل نیازهای معیشتی مردم درپیش گرفته شد.

باید توجه داشت که توزیع این کالاها با قیمت یارانه‌ای، حجم پرداخت‌های دولت در این بخش را به سرعت افزایش داده و اکنون به حدود ۶۰۰۰ میلیارد ریال در سال رسیده است. در حالی که تأمین منابع مالی موردنیاز برای پرداخت یارانه کالاهای اساسی، با توجه به محدودیت منابع درآمدی دولت و وابستگی آن به صادرات نفت، خود از مسائلی است که باید مورد توجه قرار گیرد. زیرا که بدین‌وسیله منابع قابل سرمایه‌گذاری در طرح‌های تولیدی و عمرانی به تأمین کالاهای مصرفی بدون بازده تخصیص پیدا می‌کند.

دخالتهای دولت در قیمت‌گذاری کالاها اگرچه سبب شده که اقبال آسیب‌پذیر اجتماعی به رفاه نسبی دست پیدا کنند و بخشی از نیازمندی‌های اساسی خود را با بهای نازلی تأمین کنند، اما تأثیر بسزایی در نظام تولید این کالاها به‌جا نگذارده است و این امر از موارد اشکال دخالت دولت در نظام قیمت‌ها تلقی می‌شود.

اگرچه تلاش‌های دولت در دو سال گذشته منجر به کاهش میزان تورم شده و آن را از حدود ۵۰ درصد در سال ۷۴ به ۲۲ درصد در سال ۷۵ و سپس به کمتر از ۲۰ درصد در سال گذشته رسانده است، اما باید دقت داشت که برای مقابله واقعی با فشارهای تورمی در اقتصاد ایران، ضرورت دارد مسأله از بعد کلان اقتصادی مورد ارزیابی قرار گیرد.

می‌باشد که باید مورد نظر قرار گیرد. صرفه‌جویی در مصرف ارز و استفاده بهینه از آن در تأمین نیازهای واحدهای تولیدی، نه تنها می‌تواند روند رشد تولید را استمرار بخشد و فشارهای تورمی را کاهش دهد، بلکه منابع ارزی مورد نیاز سرمایه‌گذاری‌های جدید را در دسترس قرار می‌دهد.

### ○ اگر دولت بتواند با فشارهای وارده از سوی دولت آمریکا برای جلوگیری از سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در ایران به خوبی مقابله کند، قادر خواهد بود روند رشد اقتصاد کشور را تداوم بخشد.

کارشناسان عقیده دارند که دخالت دولت در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات، سبب می‌شود که قیمت‌ها، علایم اقتصادی را نشان ندهند و سرانجام تخصیص منابع در اقتصاد به صورت بهینه انجام نشود که خسارات غیرقابل جبرانی در پی خواهد داشت. هر چند که عموم مردم از دخالت دولت در نظام قیمت‌ها، حمایت می‌کنند، اما این امر به نفع بخش تولید نمی‌باشد و در بلندمدت به هرزروی منابع اقتصادی می‌انجامد. این گروه کارشناسان دخالت دولت در امور کلان اقتصادی و به عبارتی هدایت اقتصاد را برای مقابله با فشارهای تورمی به جای دخالت در نظام قیمت‌ها تجویز می‌کنند.

آنها معتقد هستند که توجه دولت به پایه پولی و حجم نقدینگی، تخصیص بهینه بودجه به بخش‌های اقتصادی عمده، مقابله با کسری بودجه، راه‌های جذب درآمدهای مالیاتی بیشتر بدون فشار بر بخش تولید، توجه به روند بازار جهانی نفت و تخصیص بهینه منابع ارزی به بخش‌های مولد، تشویق روند سرمایه‌گذاری خارجی و نیز سرمایه‌گذاری داخلی خصوصی، باز کردن فضای فعالیت بخش خصوصی در امور مولد، کاهش هزینه‌های جاری به ویژه یارانه‌ها و سرانجام ایجاد فضای رقابتی برای رشد تولیدات با کیفیت و افزایش صادرات غیرنفتی، از عمده مواردی است که می‌تواند ساختار اقتصادی کشور را سالم سازد و در مبارزه با تورم نتایج مثبتی به بار آورد.



روند جذب سرمایه‌های خارجی با موانع کلی روبه‌رو می‌باشد. در یک سال اخیر، تلاش‌های دولت در گسترش روابط دوستانه با دیگر کشورهای جهان تا حدودی توانسته است تحریم‌های آمریکا را به زیر سؤال ببرد.

سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در طرح‌های نفتی و توسعه میادین گازی ایران توفیق نسبی دولت در این زمینه را نشان می‌دهد، اما این مقدار به‌ویژه در سال جاری که قیمت‌های نفت حدود ۳ دلار در هر بشکه از رقم پیش‌بینی شده در بودجه کمتر است، کافی نیست. از این رو کارشناسان اقتصادی عقیده دارند که دولت می‌بایست در بی‌اثر ساختن تحریم‌های آمریکا، فعالیت گسترده‌تری را انجام دهد و با ارایه فضای مساعد سرمایه‌گذاری در کشور، انگیزه شرکت‌های خارجی را برای سرمایه‌گذاری در ایران بیشتر کند.

کارشناسان، جذب سرمایه‌گذاری خارجی را بر استقراض از منابع بانکی خارجی ارجح می‌دانند. در حالی که بازپرداخت دیون خارجی در شرایطی که وابستگی به نفت همچنان وجود دارد، چندان آسان به نظر نمی‌رسد، به خصوص آنکه کشورهای تولیدکننده نفت، نقش مؤثری در تعیین قیمت این ماده در بازار ندارند. راه دوم که تعطیل طرح‌های اقتصادی و سیاست صرفه‌جویی را مدنظر دارد، در بلندمدت توسعه اقتصادی کشور را به تعویق می‌اندازد. با توجه به عقب‌ماندگی اقتصادی به‌ویژه در دوران جنگ تحمیلی، کندی حرکت اقتصاد کشور، چندان قابل قبول به نظر نمی‌رسد. از سوی دیگر محدودیت ساختار تولید در آینده خود می‌تواند منشأ فشارهای تورم‌زا باشد.

با این وجود کارشناسان، صرفه‌جویی اقتصادی در بعد کلان را همواره توصیه می‌کنند. زیرا که صرفه‌جویی می‌تواند با رشد بهره‌وری و کارایی بنگاه‌های اقتصادی نیز همراه باشد.

بنابر آمارهای ارایه شده از سوی منابع رسمی، سالانه رقمی در حدود ۱۱ میلیارد دلار یارانه انرژی در ایران پرداخت می‌شود. با این وصف صرفه‌جویی در مصرف انرژی و به عبارت بهتر مصرف عقلایی انرژی در کشور از طریق افزایش بازده انرژی و به‌کارگیری شیوه‌های نوین کاهش مصرف در بعد مصارف خانگی و صنعتی، از مهم‌ترین موضوع‌هایی است که می‌بایست مورد نظر دولت و مصرف‌کنندگان قرار گیرد.

صرفه‌جویی در مصرف ارز یا به عبارت دیگر صرف نظر کردن از واردات کالاهای غیرضروری نیز از موارد مهم